

درین بررسی کوتاه واضح میگردد که در اوضاع کنونی گلوبالیزم امپریالیستی بر پایه خصوصیت ماهوی اش سد راه همه اشکال پیشرفت کشور هایی که در آستانه گذار به سرمایه داری قرار دارند و یا اینکه راه رشد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شان را برگزیده اند، قرار میگیرد. ولی کشور های هفتگانه صنعتی جهان سرمایه به این هم بسنده نکرده و با تبارز دادن تضاد های درونی سیستمی شان در برابر همدیگر به مجادله میپردازند و یا اینکه بلاکی از کشور ها بگونه مثال امریکای شمالی در برابر اروپای کهن برای تسخیر بازار های بین المللی از هر عمل ممکن که امروز در جنگ سازمانهای جاسوسی متبارز میگردد دریغ نمی نمایند.

این مطالب را میتوان در یک کلمه خلاصه کرد که آنها "ضدیت با زحمتکشان جهان" است. ولی از آنجاییکه اکنون برای غصب مواد خام در تعدادی از کشور های جهان مصروف راه اندازی جنگها هستند و نمیتوانند اردوی مرگ آفرین شان را به همه جا بفرستند، میخواهند تعدادی از کشور ها را که حد اقل خدمات اجتماعی را به شهروندان مستحق شان وسیله میشوند از طرق دیگری به زانو در آورند که مثال زنده آن همانا تنزیل بیسابقه بهای نفت در بازار بین المللی است. جستجو و در یافت متحدین در کشور های آسیایی و افریقایی در کنار همدستان ترسای شان همانا همصدایی با عربستان سعودی و شیخ نشین های عرب است که از پلید ترین حلقات سیه دل زیر نام اسلام پشتیبانی نموده و زمینه های تمویل آنها را در کشتار های جمعی و انفرادی مساعد میگردانند و در رهبری سازمان کشور های صادر کننده نفت یا اوپیک حضور دارند. قضاوت بعد از خوانش این نیشته بستگی به خواننده دارد.

از منابع آلمانی

برگردان: داؤد اسعد

۰۳/۱۲/۲۰۱۴

## حربه نفت

### جنگ اقتصادی بایست روسیه، ایران و ونیزویلا را به زانو در آورد



بهای نفت همه روزه در حال سقوط است. اگر در اخیر ماه جولای بهای فی بیرل نفت (۱۵۹ لیتر) به ۱۱۰ دالر امریکایی میرسید هنگام برپایی کنفرانس سازمان کشور های صادر کننده نفت (اوپیک) بتاريخ ۲۷ نوامبر در ویانا به ۷۴ دالر امریکایی رسید. طی این پنج ماه تنزیل بیشتر از ۳۰٪ در بهای نفت بدان معنی است که مالکان وسائل نقلیه و خریداران دیزل تسخین مخارج کمتری داشته اند ولی مضار اساسی آن متوجه بودجه دولتی تعدادی از کشور ها بوده

است. بخصوص آن‌عده از کشور هایی که بودجه‌شان را تا حدود زیادی از فروش نفت تمویل مینمایند که درین جمله میتوان از کشور هایی چون روسیه، ونیزویلا، ایران، عراق، نایجیریا وغیره یادآور شد.

حتی "صفر سیاه" آقای شویبلی وزیر مالیه آلمان که میخواهد بودجه آلمان را امسال بدون اخذ قرضه تمویل نماید دچار خطر میشود زیرا بهای نازل مواد سوخت و سائل نقلیه و تسخین بستگی دارد به تقلیل درآمد از طریق جمع آوری مالیه اضافه ارزش و انرژی (پیش ازین مالیه نفت). به این ترتیب در صورت تقلیل بیشتر بهای نفت مسلم است که درآمد مالیاتی متأثر شده و معادل ده میلیارد یورو کمتر وارد خزانه دولت میگردد.

و اما علل سقوط بهای نفت کدامها اند؟ واقعیت چنین است که ازیکجانب عرضه و تقاضا درتعمیل این فشار تأثیر گذار بوده است و تقاضا بازهم رابطه میگیرد با رکود اقتصادی باز دارنده در سطح جهانی: ارقام ارائه شده از جانب کشور های اروپایی بیشتر میلان به فروپاشی دارند و نه به بهبود- کندی رشد اقتصادی اکنون در آلمان نیز رونما گردیده است و رکود اقتصادی و رشد صفری را سائر کشور های حوزه یورو شاهد اند. در رابطه با انگلستان خطر آن وجود دارد که رونق اقتصادی وجود ندارد و کشور در حال لغزش به رکود اقتصادی است. جاپان درین وضعیت لغزیده است.

فیصدی های گند رشد اقتصادی در کشور های پیشرفته سرمایه داری- و کشور هایی که در آستانه ورود به سرمایه داری پیشرفته قرار دارند- و بحران اقتصادی در حال نضج در روسیه که سومین کشور پیشرفته سرمایه داری دارای اقتصاد نیرومند میباشد گواه بر آنست که مصرف نفت به کاهش روبرو گردد.

از جانب دیگر: بر پایه اظهارات کارستن فریچ تحلیلگر موادخام در بانک تجارتي آلمان (کومیرس بانک) منتشره هفته نامه اقتصاد مؤرخ ۳/۱۱/۲۰۱۴ "در بازار های عرضه نفت رو به افزایش است که این اصل در حال حاضر بالای بهای نفت مؤثر بوده است، زیرا تقاضا در سطح نازلی قرار دارد". بیشتر از همه تولید نفت در ایالات متحده امریکا از سالیان درازی بدینسو روبه افزایش بوده و علت آن در عملیه گسترده فرکینگ نهفته است. این میتود غیر معمول استخراجی که در جریان تعمیل آن مایعی مخلوط از آب و مواد کیمیایی با فشار خارق العاده یی به اقشار حجری پوسته زمین وارد شده و بدین ترتیب نفت بطرف بالا کشانیده میشود، تولید نفت را افزایش بزرگ داده و ایالات متحده امریکا را به یکی از بزرگترین صادر کننده های نفت در جهان مبدل کرده است.

اگر در سال ۲۰۰۸ تولید نفت ایالات متحده آمریکا روزانه طور اوسط به ۶۸ میلیون بیرل میرسید این رقم در سال ۲۰۱۴ بالغ به ۱۲ میلیون بیرل گردید. بخاطر آنکه تصور بهتری داشت توضیح میداریم: افزایش تولید به ۵۲ میلیون بیرل میرسد که با تولید روزانه چین تفاوت فاحش دارد (۴۲ میلیون بیرل یعنی نیمه یی از ضرورت روزانه کشور چین).

علت دیگری از مشبوع شدن بازار جهانی نفت همانا برگشت دوباره عراق و لیبیا است که در دوران جنگ های چندین ساله تولید نفت درین کشور ها بعضاً به صفر تقرب نموده بود.

### اوپیک هنوز هم به سقوط قیم تمایل دارند

در سال های پیش تصمیم اوپیک در چنین اوضاعی روشن بود: با کاهش تولید نفت هر یک از کشور های عضو و انحصارات عرضه کننده بهای نفت را بالا میبردند. این بار در نشست نوبتی ششماهه در مرکز جلسات اوپیک در ویانا چنین شد که این گردهمایی در رابطه با این مسئله نظر های متفاوتی داشتند. کشور های عضو دارای سطح پایین تولید از میان این گروپ ۱۲ گانه از اصل تنزلی تولید نماینده گی میکردند تا با بدست آوردن پول بیشتر درآمد شان را بالا ببرند. آنها عبارت بودند از ونیزویلا، اکوادور، نایجیریا، انگولا و ایران.

عراق و لیبیا نیز با افزایش قیم نفت موافق بودند تا بتوانند در ساختار مجدد کشور های جنگ زده شان پیشروی نمایند. این کشور ها همه خطر کسر بودجه را احساس میکنند زیرا آنان بودجه شان را با در نظر داشت درآمد بیشتری از فروش نفت تصویب کرده اند. اکوادور در برابر هر بیرل نفت صادراتی اش به ۸۰ دالر ضرورت دارد تا بودجه اش را تمویل کرده بتواند و بهمین صورت انگولا به ۸۱ دالر، ونیزویلا به ۱۲۰ دالر، نایجیریا به ۱۲۲ دالر ضرورت دارند و بودجه کشور های ایران و عراق بالترتیب با ۱۳۶ و ۱۴۰ دالر محاسبه شده بودند (منبع همه ارقام انتشارات روزنامه فرانکفورتر الگیمینی سایتونگ و هاندلسبلات است).

ونیزویلا ابتکار رهبری "همنظران فقیر" اوپیک را بدست گرفت. رافایل رامیرز وزیر خارجه و وزیر نفت ونیزویلا یعنی دارنده هر دو پست با اهمیت همیشه مصروف وساطت با سائر کشور های عضو بود تا اگر باشد که تحرکی را در میان آنان برای بستن اندک شیردهن نفت وسیله گردد. روسیه که عضو اوپیک نیست پیشنهاد کرد که حاضر است تا استخراج روزانه اش را تقلیل بخشد در صورتی که اوپیک حاضر به کاهش تولید نفت گردند.

زحمات رامیرز بیهوده بود. پیشنهاد وی با جبهه مقاومت جمعی کشور های ثروتمند خلیج چون کویت، قطر، امارات متحده عرب و مقدم برهمه عربستان سعودی مواجه شد. این شیخ نشین ها فکتور تعیین کننده قدرت در کارتل نفت است و بدون آنها حرکتی ممکن نیست و چه رسد به آنکه علیه آن قرار گیرند. عربستان سعودی حدود ۳۰٪ نفت اوپیک را تولید میکند، دارای

ذخائر سرشار بوده و پیش از همه موقف کلیدی تولید کننده نوسانی را دارد. به این معنی که دارای ظرفیت های تولیدی سرشار دست ناخورده است و هر زمانی خواسته باشد تولید را افزایش داده و یا تقلیل می دهد. تصور کنیم که هر گاهی ونیزویلا، ایران و روسیه بگونه یکجانبه تولید را کاهش دهند ممکن است عربستان سعودی (در مشارکت با سائر کشور های خلیج) بتوانند به مقابله پرداخته و ظرفیت های ریزرفی خود را دوباره فعال سازند. کلمه "لا" از جانب شیخ نشین های عرب، سائر تولید کننده های نفت را دچار مشکل می سازد. کارستن فریچ تحلیلگر مواد خام در کومیرس بانک چین می گوید: "قربانی های این تصمیم همانا کشور های ونیزویلا، نایجیریا، ایران و لیبیا هستند چرا که بودجه دولتی شان با فیصدی زیادی از درآمد نفت تمویل می گردد".

دقیق است که عربستان سعودی خود نیز مزار مالی را بدوش بر میدارد زیرا برای تمویل بودجه اش بهای هر بیرل نفت باید ۸۹ دالر امریکایی باشد تا حلوی ۳۰ میلیون نفوس تمویل گردد و نتوانند در برابر شلاق بیرحم شیخ های فیودال، سر شورش را بلند کنند. ولی با داشتن ذخیره انباشته شده پترو دالری ۷۴۰ میلیارد میتواند کسر های مداوم را طی مدت زمان زیادی تحمل نماید. مزید بر این بازهم سرمایه گذاری های مالی سنگین موسسات پولی عرب (دودمان مسلط در ریاض) در مارکیت های اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا مؤثر می افتد. و بالاخره کشور های خلیج با ده دالر وحتى کمتر از آن نازل ترین مخارج تولید فی بیرل را دارند و به این ترتیب بزرگترین منفعت بری را نصیب میشوند (مراجعه کنید به جدولهای شماره یک و دو در زیر). از همینجاست که عربستان سعودی طور مداوم برای امریکایی ها تخفیف در بهای نفت را رعایت میکند تا سهمیه اش را در مارکیت های ایالات متحده تأمین کرده باشد.

### "جنگ جهانشمول نفت"؟!

طوریکه دیده میشود عدم موافقت عربهای سعودی برای کاهش تولید نفت بیشتر از آنست که ما تصور آنرا داریم یعنی هدف از آن بهره کشی سنگینی استکه بالغ به میلیارد ها دالر می گردد. بعد ازین جواب رد اوپیک در رابطه با کاهش عرضه نفت همیشه در رسانه های اقتصادی تبصره هایی در رابطه به زمینه ها و بخصوص تکانه های ناشی از آن بوسیله عربستان سعودی صورت می پذیرد. ممکن است که به حل معما نزدیکتر گردیم هر گاهی به پرسش معلوم کلیدی "به نفع کیان خواهد بود؟" جواب دهیم و درین رابطه بایست عکس آنرا پیشکش کنیم: این عمل به ضرر کیان است؟ بناءً میتوان هرچه زودتر به این نتیجه رسید که درینجا مطلب روی چشم انداز توسعه طلبانه قدرت میچرخد، روی ایجاد جبهاتی برای جنگهای نفت و اقتصاد میچرخد و یا

اینکه بگونه‌ی که درین روزها سرمقاله نویسنده و مبصر نیویارک تایمز آقای توماس ل. فریدمن آنرا توضیح میدارد: "آیا من خیالپردازی میکنم و یا اینکه کدام جنگ جهانشمول نفتی

### تولید روزانه نفت در سال ۲۰۱۳ و تقسیم آن

تولید مجموعی ۹۱۳ میلیون بیرل

کشورهای عضو اوپیک

۵۴۶ میلیون بیرل (۵۹٪)

سائر کشورهای تولید نفت

۳۶۷ میلیون بیرل (۴۰٪)

یک بیرل = تقریباً ۱۵۹ لیتر

منبع: آژانس انرژی بلومبرگ

میان ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی از یکجانب و میان روسیه و ایران از جانب دیگر در حال نضج گیری است؟" (نقل قول از هاندلسبلات مؤرخ ۲۸/۱۱/۲۰۱۴).

دیده میشود که با حربه نفت آنان کشورهای مخالف را چون ایران، روسیه و ونیزویلا مورد هدف قرار میدهند. بالاخره سوریه نیز در حال حاضر شامل این گروه است که با قیم نازل و تولید اندک نفت دشمن اصلی هر دو قدرت بشمار می آید. این امر به زعم عربستان سعودی در مورد ونیزویلا که از نظر جغرافیایی در منطقه خلیجها دور دستی قرار دارد نیز صادق است: این کشور در اوپیک در کنار ایران بازیگر رقیب در برابر شیخ نشینها و تنظیم کننده جبهه غیر متعلق به اعضای خلیج اوپیک در امریکای لاتین و افریقا میباشد. و روسیه رقیب اصلی شیخ نشینها در بازار جهانی نفت بوده و گذشته ازین نوعی از فرشته نجاتی برای سوریه و ایران است. زیرا بهای نازل نفت این دولتها را دچار مشکل تمویل بودجه ساخته و تا حدودی برنامه های موزون انکشافی و اجتماعی شان را به خطر مواجه کرده و برای امپریالیستهای نفتی زمینه های دامن زدن به نا آرامی های اجتماعی و حتی قیامها را درین کشورها مساعد میگرداند.

درین رابطه ضرورتی برای کدام توافق مخفیانه میان عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا نیست با وجودیکه در پیشینه ها چنین پراتیکی وجود داشته است. عربستان سعودی با موقفش در اوپیک میتواند به تنهایی این چنین اقدامی را عملی سازد. البته مطلب روی کاهش تولید نفت است، آنچه در حیطة قدرت عربستان سعودی ممکن است. تولید کننده ها در ایالات متحده آمریکا نیز با کاهش در بهای نفت سراسیمه گردیده و با تولید بیشتر بازار های جهانی نفت را مشبوع میسازند. زیرا آنها تلاش میورزند تا در موجودیت کاهش قییم و مترادف با آن درآمد کمتر، تفاوت را بوسیله بالابردن مقدار تولید و عرضه آن به بازار جهانی جبیره نمایند تا باشد خدمتی را برای سرمایه گذارها و کریدت دهنده های شان انجام داده باشند. تعداد زیادی از تأسیسات فریکینگ در ایالات متحده آمریکا کانسرن های مستقل اقشار متوسط جامعه اند که میتوان از کانسرن های پیشین در عرصه بانکداری چون کونتیننتال ریسورس ایند وایتنگ پترولیم (۱) یاد آور شد که غرض سرمایه گذاری قرضه های هنگفتی را بدست آورده است

### جنگ نفت و تحریم ها علیه روسیه

بدون شک بار سنگین این سیاست جنگ طلبانه بدوش روسیه می افتد. برای این کشور جنگ نفت تقریباً به معنی جبهه دومی است که خود را در برابر جنگ تعمیل شده تجاری از جانب غرب رویارو می بیند. ممکن هم تأثیرات بیشتری در مقایسه با تحریم های تصویب شده علیه این کشور با خود داشته باشد.

## بزرگ ترین تولید کننده های نفت در جهان

○ اعضای اوپیک      تولید به میلیون بیرل روزانه      مصارف تولید فی بیرل      سهم ذخائر  
در جهان نفت

● سایر کشور های تولید نفت

● ایالات متحده آمریکا	● ۱۲۰	● ۶۰-۷۰ دالر	● ۲۶%
● روسیه	● ۱۱۰	● ۴۰-۵۰ دالر	● ۵۵%
○ عربستان سعودی	○ ۹،۵	○ کمتر از ۱۰ دالر	○ ۱۵،۸%
● چین	● ۴۲	● ۴۰-۵۰ دالر	● ۱۱%
● کانادا	● ۴۰	● ۴۰-۵۰ دالر	● ۱۰،۳%
○ عراق	○ ۳۳	○ ۱۰ دالر	○ ۸،۹%
○ امارات متحده عربی	○ ۲۸	○ کمتر از ۱۰ دالر	○ ۵،۸%
○ ایران	○ ۲۸	○ ۱۰ دالر	○ ۹،۳%
● مکزیکو	● ۲۷	● ؟	● کمتر از ۱%
○ کویت	○ ۲۷	○ کمتر از ۱۰ دالر	○ ۶،۰%
○ ونیزویلا	○ ۲۵	○ ۴۰-۵۰ دالر	○ ۴،۷%
○ نایجیریا	○ ۱۹	○ ؟	○ حدود ۲،۷%
○ انگولا	○ ۱۷	○ ؟	○ ۱%
○ الجزائر	○ ۱۱	○ ؟	○ کمتر از ۱%
○ لیبیا	○ ۰،۸	○ ؟	○ حدود ۳،۰%
○ قطر	○ ۰،۷	○ ؟	○ حدود ۲،۰%

○ ایکوادور	○ ۰،۶	○ ؟	○ ؟
------------	-------	-----	-----

در خور توجه است که با تعمیم تحریم ها کاهش بهای نفت نیز شتابان میشود. بودجه روسیه ۴۵٪ متکی تجارت مواد خام است و بر پایه ۹۶ دلار امریکایی هر بیرل محاسبه میشود یعنی بودجه با در نظر داشت این رقم بدون کسر است. فروش گاز طبیعی و نفت حدود دو سوم درآمد از صادرات را تشکیل میدهد. ایگور سیچین رئیس کانسرن های نفتی روسیه برای سال آینده پیشبینی میکند که بهای نفت الی ۶۰ دلار سقوط خواهد کرد (فرانکفورتر الگیمینی سایتونگ مؤرخ ۲۹/۱۱/۲۰۱۴). هم اکنون (۲۷/۱۱/۱۴) با بهای ۷۵ الی ۷۳ دلار بگفته مسوولان در روسیه سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار کاهش از طریق در آمد صادراتی نفت رونما گردیده است (هر گاهی بهای نفت به ۱۰٪ کاهش یابد در آن صورت مزار آن سالانه به ۳۲۳ میلیارد دلار از کاهش درآمد صادراتی نفت میرسد: ۱۶٪ درآمد نا خالص ملی؛ تا حال بهای نفت حدود ۳۰٪ کاهش یافته است). ولی تأثیرات آن بالای بودجه دولتی آنقدر ها محسوس نیست و علت آن اینست: کاهش بهای روبل که موازی با کاهش بهای نفت سقوط میکند و نفت با دلار محاسبه میگردد. صادر کننده ها- البته صادر کننده های دولتی نیز- اکنون ۴۸ روبل به عوض ۳۷ روبل فی بیرل در گذشته بدست می آورند (مقایسه کنید با هاندلسبلات مؤرخ ۲۸/۱۱/۲۰۱۴). و اما در عین حال با سقوط بهای روبل بیلانس واردات و به این ترتیب تورم پولی در کشور افزایش می یابد.

کاهش بهای نفت و تأثیر تحریم ها به گفته مسوولان داخلی در روسیه سالانه مزار ۱۴۰ میلیارد دلار را با خود دارد: حدود ۷٪ درآمد نا خالص ملی. انتون سیلانوف وزیر مالیة روسیه در ماسکو اظهار داشت "ما ۴۰ میلیارد دلار را بخاطر وارد آوردن تحریمها و گذشته ازین ۹۰ الی ۱۰۰ میلیارد دلار را از طریق کاهش الی ۳۰٪ بهای نفت از دست میدهم" (چینا دیلی مؤرخ ۲۵/۱۱/۲۰۱۴). بتاریخ ۲۸/۱۱/۲۰۱۴ هاندلسبلات مینویسد "پوتین برای نخستین بار در زمان زعامتش از سال ۲۰۰۰ بدینسو خود شاهد کاهش دستمزد واقعی مردم است". حتی خدماتی را که در عرصه اجتماعی وعده داده بود، نمیتواند برای بهبود وضع زنده گی مردم عملی دارد. اینها همه باعث بالا گرفتن عدم رضائیت در میان مردم گردیده و نا آرامی های اجتماعی را دامن میزند. و بالاخره هدف از آن پایان بخشیدن به رژیم پوتین است.

از دیدگاه انستیتوت روسی برای مطالعات استراتژیک- که وظیفه اساسی آن همانا ارائه تحلیل ها و مطالعات سیاسی برای کریملن است- "هدف حد اقل مخالفان درین جنگ اقتصادی آنست تا ولادیمیر پوتین را بوسیله فردی از کادر سیاسی امروزین روسیه که برای غرب قابل پذیرش باشد تعویض نمایند" (نقل قول از فرانکفورتر الگیمینی سایتونگ مؤرخ ۱۷/۱۰/۲۰۱۴). درین



رابطه فردی از "بلاک اقتصادی" حکومت جستجو میشود: همه وزارتخانه هایی که در عرصه اقتصادی فعالیت دارند بوسیله افراد متخصص دارای اندیشه نیو لیبرالی و متمایل به غرب رهبری میشوند (با فرانکفورتر الگیمینی سایتونگ مؤرخ ۲۰۱۴/۱۰/۱۷ مقایسه کنید).

### پایان شگوفایی فرکینگ در ایالات متحده آمریکا؟

در بسیاری از گزارشها تکیه روی آن میشود که عربستان سعودی میخواهد با [جنگ دیکته قیم] خویش شیوه استخراج فرکینگ رقیب خود را ضربه زند و بدین ترتیب یکه تازی اش را در بازار جهانی نفت تأمین نماید. این امر هدف نخست نیست. حد اقل عربستان سعودی (و ایالات متحده آمریکا) مؤقتاً این عرضه ناموزون را ضرورت دارند تا اهداف سیاسی خود (شان) را تحقق بخشند. هرگاهی در حاشیه تعدادی از تأسیسات فرکینگ با تولید محدودی از پا درافتند این کدام مظهر جانبی غیر مترقبه برای سعودیها نبوده و همچنان برای اقتصاد ایالات متحده تباه کن نیست. این امر برای کتله وسیعی از صنایع فرکینگ زمانی مشکل زا میشود که قیمت نفت زیر رقم ۶۰ دالر سقوط کند. ماریان کاح آمر بخش اقتصادی سومین موسسه بزرگ نفتی ایالات متحده بنام کونوکو فیلیپس حتی چنین نظر میدهد که برای صنایع فرکینگ ایالات متحده وضع زمانی پیچیده میشود که قیمت نفت زیر مارک ۵۰ دالر فی بیرل سقوط کند (مقایسه کنید با زیود دویچی سایتونگ مؤرخ ۲۰۱۴/۱۱/۲۷). استخراج نفت بوسیله فرکینگ با در نظر داشت ساختار متفاوت جیولوژیکی طالب هزینه های متفاوتی نیز است. کانسرن های نفتی و مؤسسات سرشناس فرکینگ پر منفعت ترین ذخائر را از آن خود کرده اند. از دیدگاه آژانس بین المللی انرژی برای فقط ۴% مجموع تولید کننده های نفت فرکینگ قیمت ۸۰ دالر فی بیرل منفعت زا است. " در منطقه بیکن که گواه بر حد اعظم تولید است الی ۴۲ دالر فی بیرل هنوز هم منفعت زا میباشد" (فرانکفورتر الگیمینی سایتونگ مؤرخ ۲۰۱۴/۱۱/۲۹). بناءً خطر تسخیر کامل بازار متصور نیست.

در مقابل قیمت پایین نفت برای واشنگتن خلیها مفید است. نه بخاطر تضعیف رقیب سیاسی که هم اکنون همه شان در قید قیمت نفت متحصن گردیده اند، بلکه ایالات متحده آمریکا بیشتر از همه ملت های صنعتی جهان سیستم ترافیکی و ترانسپورتی منحصر به نفت را در عرصه های انفرادی و اقتصادی دارد. که سقوط قیمت نفت مسلماً تأثیر مثبت را در عرصه صنایع تولیدی نیز بجا میگذارد. به قول از بارکلی (نهاد مالی بین المللی) رشد اقتصاد ایالات متحده آمریکا در نتیجه سقوط قیمت نفت در ربع چهارم امسال به اندازه ۰.۵% ارتقای بیشتر داشته است. در مجموع با نازل بودن قیمت نفت انتظار تسریع آهنگ رشد اقتصادی را میبرند یعنی آنچه که نابودی تعدادی از تأسیسات فرکینگ را در پی داشته ولی آنقدرها مؤثریت

سنگین ندارد. تعیین کننده برای ایالات متحده آمریکا آنستکه قدرت های رقیب نفتی به رکود و نابودی مواجه گردند.

نویسنده: فرید شمید کارمند انستیتوت اقتصادی برای تحقیقات اجتماعی - هیکولوژیک

(۱) Continental Resources und Whiting Petroleum